

سیاه روزهای هفت و هشت ثور را محکوم و تقبیح مینمایم

هشت ثور بد تر بود از هفت ثور هر دو باشد ارتجاع یک دوسر

اگر در تاریخ کشور ما روزهای پرافتخاری مثل 28 اسد روز استرداد استقلال افغانستان وجود دارد که مردم ما از آن تجلیل بعمل می آورند، روزهای سیاه و شوم 7 و 8 ثور نیز وجود دارد که مردم افغانستان از آنها به حیث روزهای شوم و سیاه یاد میکنند. در آن روزها رژیم های منفور و جنایت کار خلق و پرچم و باندهای ارتجاعی احزاب اسلامی یکی بعد دیگری به قدرت رسیدند و کشور ما را به تباهی و بربادی سوق داده و مردم ما را به انواع و اقسام آلام و مصایب سردچار ساخته اند. کشورهای سرمایه داری امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی که خلقها و ملل را در کشورهای تحت سلطه مورد ستم و استثمار بیرحمانه قرار داده و منابع و ثروت های شانرا غارت و چپاول کرده و باند های تبهکار و جانی را در این کشور ها به نام های احزاب ملی دموکراتیک و یا احزاب اسلامی به قدرت رسانده اند و بوسیله آنها بالای مردم این کشور ها حکومت کرده و میکنند.

کودتای شوم و ننگین 7 ثور 1357 به رهنمائی و کمک سوسیال امپریالیزم شوروی و خادمان دون صفت آنها، باندهای مزدور و آدمکش خلق و پرچم صورت گرفت. با رویکار آمدن رژیم منفور ضد ملی و ضد مردمی دور جدیدی از جنایت، آدمکشی و مصیبت های رنگارنگ در افغانستان آغاز گردید. بیش از دو میلیون از هموطنان فقیر، مظلوم ورنجیده کشور ما بدست این جنایتکاران مزدور و بیداران روسی شان بقتل رسیدند، ویا معلول و مجروح شدند. بیش از شش میلیون نفر بی خانمان و در کشورهای همسایه و سایر کشورهای جهان متواری و پناهنده شدند. ده ها هزار نفر از روشنفکران مردمی و وطن پرست به جرم وطن دوستی و آزادیخواهی زندانی گردیده و تحت سبانه ترین نوع شکنجه های طاقت فرسا و غیر انسانی نظامیگران سوسیال امپریالیزم و خادیم های باند خلق و پرچم قرار گرفتند و عده قابل ملاحظه آنها اعدام و یا زنده به گورگر دیدند.

آدمکشی، جنایت و اعمال ضد انسانی باندهای خلق و پرچم آنقدر گسترده و آشکار است که حتی عاملین این جنایت نتوانستند از آن انکار نمایند و با بیشرمی تمام لست دوازده هزار نفر زندانی اعدامی مرحله اول فاجعه ننگین هفت ثور را در وزارت داخله به نمایش گذاشتند. کودتای ننگین 7 ثور زمینه را برای تجاوز گسترده سوسیال امپریالیزم شوروی هموار ساخت و به تاریخ 6 جدی 1358 ببرک کارمل این شاه شجاع دوم در حالیکه طوق غلامی و بردگی بر گردن داشت، سوار بر تانک های غول پیکر شوروی عازم افغانستان شد و بر اریکه قدرت تکیه زد. با تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی موج جدید جنایت و آدمکشی و ویرانی کشور آغاز گردید. دهات و قریه ها به آتش کشیده شد. به جان، مال و ناموس مردم تجاوز صورت گرفت و کشور عملاً تحت حاکمیت سوسیال امپریالیزم درآمد و به مستعمره آن تبدیل شد. با تجاوز آشکار سوسیال امپریالیزم قیام های خود جوش مردمی در اطراف و اکناف کشور بوجود آمد. تجاوز گران شوروی و رژیم دست نشانده خلق و پرچم مورد ضربات کوبنده توده های مردم قرار گرفت. امپریالیزم امریکا که تنور را گرم دید، به منظور ضربه زدن رقیب اش ابر قدرت سوسیال امپریالیزم شوروی، باندهای جنایت کار و آدمکش تنظیم های اسلامی را که از قبل تحت حمایت آن قرار داشت به همکاری دولت های ارتجاعی پاکستان و ایران ساز ماندهی نمود و با کمک های گسترده تسلیحاتی و مادی و معنوی بر جنبش مقاومت مردم افغانستان تحمیل نمود. احزاب ارتجاعی اسلامی در درون جنبش مقاومت مردم افغانستان دست به ترور افراد ملی مردمی و وطن دوست زدند. این خائنین معاهدات ننگین همکاری را با تجاوز گران سوسیال امپریالیزم شوروی و رژیم دست نشانده به امضا رسانیدند. رژیم دست نشانده و بیدار سوسیال امپریالیست آن که شکست خویش را حتمی میدانست زمینه را برای آمدن احزاب ارتجاعی اسلامی مساعد ساخت و در یک نشست فرمایشی در کابل و توافقات پشت پرده قدرت را به احزاب ارتجاعی اسلامی به رهبری صیغت الله مجددی تسلیم نمودند. رهبران باندهای آدمکش و جنایت کار خلق و پرچم مورد عفو قرار گرفتند و با پاسپورت های قبلاً آماده شده عازم کشور های خارجی گردیدند و عده از آنها در ائتلاف با احزاب ارتجاعی اسلامی وارد دولت اسلامی شدند. احزاب ارتجاعی اسلامی زمانیکه وارد کابل شدند، به چور، چپاول و غارت اموال دولتی و غیر دولتی پرداختند و همه را به تاراج بردند. به جان، مال و ناموس مردم تجاوز نمودند و بابترا اندازی جنگ های تنظیمی و میان گروهی به خاطر تسلط بیشتر در قدرت دولتی بیش از شصت هزار نفر از شهریان کابل را به قتل رساندند. وقتی نقاب اسلام خواهی احزاب ارتجاعی (که بوسیله آن توده های عوام کشور را فریب میدادند) پائین افتاد و چهره های کثیف این جنایتکاران بر همه آشکار گردید. امپریالیزم امریکا با حمایت و همکاری رژیم پاکستان گروه تازه نفس و «ریزرف» طالبان را به خدمت گرفته و آنها را بجای احزاب ارتجاعی اسلامی به قدرت رساند. رژیم ارتجاعی طالبان بنام دفاع از شریعت اسلامی مکاتب دختران را بسته نمود، تلویزیون و موسیقی را ممنوع اعلان کرد. زنان را از کار در دفاتر و موسسات منع کرد و باعث آزار و اذیت اقلیت های ملی و مذهبی گردید. این عمل طالبان زمینه ساز تجاوز آشکار امپریالیزم امریکا به افغانستان شد که با تهاجم نظامی بتاريخ 7 اکتوبر 2001 باعث سقوط رژیم طالبان گردید و حامد

کرزی (شاه شجاع سوم) را به مسند قدرت رسانید. امروز تمام خائنین ملی از احزاب جنایت کار خلع و پرچم، جنایت کاران احزاب ارتجاعی اسلامی، بخش های تسلیم طلب طالبان، شوینیست های افغان ملت، سازائی ها و عده از قماشهای دیگر از تسلیم طلبان و خائنین به خلق و میهن در دولت دست نشانده کرزی تجمع نموده و مشغول خدمت گذاری به امپریالیست های اشغالگر میباشند. اما سوال اینجاست که آنها تا چه وقت در تحت حمایت باداران امریکائی و ناتوئی شان به سر خواهند برد. تاریخ گواه است که تجاوزکاران از هر قماش که باشند مورد پذیرش مردم قرار نمیگیرند و سر انجام به شکست مواجه میگردند. مردم رنج دیده و مظلوم افغانستان که در شرایط بس مشکل به سر میبرند و از هیچگونه امتیازات مادی و معنوی بر خوردار نیستند از یک طرف مورد بمباردمان قوای ناتو قرار دارند و از طرف دیگر مورد آزار و اذیت و ستم جنگسالاران طالبی قرار دارند. مردم افغانستان دیر یا زود بپا خواهند خاست و تجاوز کاران امریکائی، ناتوئی و تمام خادمان و نوکران دون صفت آنها را مانند تجاوزگران انگیس و روس به شکست مقتضحانه مواجه خواهند ساخت زیرا افغانستان از آن مردم افغانستان است نه از آن تجاوزگران.

ننگ و نفرین بر تمام خائنین و وطن فروشان

زنده باد خلق افغانستان

زنده باد آزادی